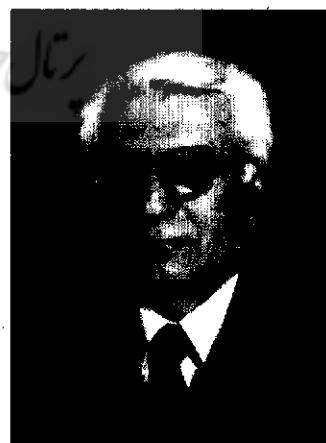


جنبش معلمی ایران

به پاس حمامه دوم خرداد ۱۳۷۶

دکتر نظام الدین قهاری



در دو دهه آخر قرن بیستم و سال‌های نخست هزاره سوم میلادی حوادث و تحولاتی در کشورهای مختلف جهان به وقوع پیوست که با وجود اختلاف در کاربردها و کارکردها «استراتژی و تاکتیک» عموماً اهدافی در جهت احفاظ حقوق پایمال شده شهروندان و نیل به مردم سالاری را تعقیب می‌کردند. این تحولات که با مبارزات وسیع مردم همراه بود، جملگی به «انقلاب‌های معلمی» موسم گردیدند.

مردم متبع این کشورها با بهره‌گیری از تجارب گرانقدر سال‌های طولانی مبارزات پیکرباری دستیابی به آزادی، دموکراسی و عدالت که همواره با انقلاب‌های خونین، کودتا و ضدکودتا و جابجایی و تغییرات خواسته و ناخواسته دولت‌ها همراه بود به نتیجه ارزشمندی دست یافتن که عمله انقلاب‌های سرخ به اهداف از پیش و عده داده شده پادر تخلیل و آرمان‌های تصور یافته، دست نیافتند. بلکه شرایط زیستی که پس از فروپاشی رژیم قبلی به وجود آمد بسیار شاق بود و نظام جدیدی که به وجود آمد نیاز به نهادسازی‌های جدید و جوانان داشت و سال‌ها باید به تجربه‌اندوزی و برنامه‌ریزی‌های پیچیده و مدون اقدام کرد تا به بخشی از اهداف از پیش تعیین شده رسید. از این رو وصول به آرزوهای انقلابیون و تحول طلبان بسیار بعید به نظر می‌رسید. بنابراین باید به روش‌های دیگری روی آورد که عملدتا سالمت جویانه بود و حداقل تخریب و جابجایی مستولان را به همراه داشت ولی امکان داشت به حداقل خواسته‌های ملموس و قابل اجرا دست یافت. چنین کوشندگی‌ها در بین ملت‌های

تحول خواه و اصلاح طلب مقبولیت یافت و به انقلاب‌های سپیدیا مخلصی موسم گردید. آنچه تا به حال به اثبات رسیده، مشخص شده که چنین تحولات یا انقلاب‌ها به مراتب بینانی تو و کارسازتر بوده خواسته‌ها و تمایلات جامع یا اکثریت قریب به اتفاق شهر وندان جوامع مذکور را بیشتر برآورد ساخته است.

□□

جنش‌ها و انقلاب‌های مخلصی در کشورهای مختلف صرف نظر از عنوان مشترک، نفاوت‌هایی با هم داشتند که بیشتر در رابطه با شرایط اجتماعی - فرهنگی و سیاسی و خواسته‌های برحق، ملموس و قابل وصول شهر وندان آن جوامع بود. ولی نقاط مشترک و متشابهی هم داشته‌اند که مهمترین آنها به قرار زیر است.

- به وجود آمدن ذهنیت جمعی در اکثریت شهر وندان بر ضرورت ایجاد و تحول و اصلاح در خط مشی‌های مدیریت سیاسی و اقتصادی کشور.

- جنبش‌ها در جهت احفاظ حقوق شهر وندان و گسترش مردم سالاری سیر می‌کرد، لذا تمایلات دموکراسی خواهی و عدالت جویی در آنها بیشتر مشاهده می‌گردید.

- عدم رضایت عامه از عملکرد حاکمان و مستولان طراز اول، به دلیل عدم موفقیت در انجام وعده‌های از پیش داده شده و اثبات عدم حسن نیت مستولان با نادیده گرفتن قوانین موجود و حقوق مردم.

بنابراین گرایش گسترده مردم به تحول و جنبش اصلاحی در جوامعی به وقوع پیوست که رژیم‌های آنها از دموکراسی و آزادی و عدالت فاصله داشتند.

- به وجود آمدن انگیزه عام همکاری جمعی و مستمر برای دستیابی به اهداف مذکور که به صورت حضور اجمع میلیونی شهر وندان در صحنه آزاد خیابان‌ها و میادین و پایداری و پاپشاری بدون وقه در کسب خواسته‌ها مصدق پیدا کرد.

- گزینش راه‌های قانونی برای کسب مطالبات، مانند شرکت عمومی در انتخابات و رأی به برنامه‌های از پیش تدوین یافته، حضور در فضاهای آزاد و میادین، تشکیل نهادهای مدنی، شامل انجمن‌های محلی - صنفی، آموزشی و فرهنگی، NGO‌ها و نهادهای شورایی، سندیکاهای اتحادیه‌ها و احزاب.

- عرضه مطالبات مدنی و قانونی در حد معقول و قابل تحقق که مورد قبول و پسند عام بوده و همکاری دسته جمعی را ممکن سازد.

- اجتناب از هرگونه خشونت، تحریب و زیاده روی، نقی شعارهای مهیج غیرقابل اجرا و غیرواقعی، اتکا به گفت و گو و بحث و عطوفت و محبت با رقیبان سیاسی و مخالفان.

- حفظ نهادها و کیان‌ها و دستگاه‌ها، سیستم‌های موجود که متعلق به عموم بوده و

همواره نیاز وافری به آنها وجود دارد. اهداف اصلاح طلبانه جنبش‌های مخلصی با هرگونه تحریب و نابودی ظرف و مظروف متعلق به جامعه منافات داشت.

- حضور رهبران هوشیار و آگاه که خود در صحنه جنبش‌های مردمی حضور داشته، مردم هم متقابلاً به آنها اعتماد داشته و آنها نهضت‌های اصلاح طلبانه را مددیت و رهبری نموده و درنهایت به پیروزی رسانده‌اند.

انقلاب‌ها و جنبش‌های مخلصی در هر جامعه کشوری از فرهنگ و عادات سنت‌های عمیق، ملی، مذهبی و تاریخی ملت‌های خود نشأت و افرگرفته‌اند و تفاوت‌های آشکار آنها از همین زاویه قابل تشخیص است. به عنوان مثال در لهستان که تمایلات مذهبی کاتولیک اولویت داشت؛ مبارزات بر نیاز و تمایلات مذهبی مردم استوار بود. در رومانی نقی دیکتاتوری، در یوگسلاوی تمایلات ملی و استغفاری رئیس جمهوری که سبب چند پارچه شدن کشور شده بود. در اوکراین حقیقت و راستگویی مسئولان و رهبران ملکی پذیرش آنها از سوی ملت بود.

□□

اما در مورد میهن خودمان، اگر حمامه پرشور مردمی دوم خرداد ۷۶ را «جنش مخلصی ایران» بنامیم سخن به گراف نگفته‌ایم و راه خط‌نرفته‌ایم. مردم ایران با تجارت تاریخی بیش از یکصد سال انقلاب‌های ضداستعماری و خودکامگی و جنبش‌های ضداستبدادی و پیش‌کسوتی در فرایند دستیابی به جامعه مدنی در خاورمیانه و ملل مسلمان، این بار نیز به صورت یکپارچه در جنبش اصلاح طلبی و آزادیخواهی شرکت کرد و سیماهی ارزشند و تاریخ‌سازی به مردم جهان نشان داد.

سیماهی متأثر از سیرت فرهنگ و اخلاق منزه سیاسی که

به صورت آرامش و کوشش بدون خشونت جلوه نمود. در روز دوم خرداد ۷۶ اکثریت

آنوه و قریب به اتفاق از واجدین شرایط به

امید گشایش فضای سیاسی و فرهنگی و

تعیین عدالت و جامعه مدنی برای انتخاب رئیس جمهور جدید که جلوه‌های نوینی در

کلام و رفتارش هویدا بود، به مراکز اخذ رأی مراجعه و با نهایت آزادی و آرامش و

انتخاب و تمایل شخصی رأی خود را به

صندوقداری یختند. مردم ایران آقای خاتمی را شخص فرهیخته‌ای می‌دانستند که سابقه

نسبتاً روشی در مدیریت کلان امور فرهنگی و هنری کشور داشت. سخنان

ایشان نشانه‌هایی از تحول در تفکر منجمد و سنگواره قرون تهریخیز و عقب ماندگی

گذشته داشت. وعده اصلاحات فرهنگی،

سیاسی، اجتماعی، بسط جامعه مدنی،

تساهله و تسامح در رفتار مدیریت های

طراز اول نظام، مردم سالاری، آزادی ۵۵

انقلاب‌ها و جنبش‌های
مخلصی در هر جامعه
کشوری از فرهنگ و
عادات سنت‌های عمیق،
ملی، مذهبی و تاریخی
ملت‌های خود نشأت
و افرگرفته‌اند و تفاوت
های آشکار آنها از همین
زاویه قابل تشخیص است

■

اندیشه و مقولات دیگر که بُویِ دموکراسی می‌داد در برنامه‌های ایشان مشخص بود که به مزاق تفکر سیاسی ایرانیان بسیار خوشایند می‌آمد. لذا شاهد بودیم که مردم منجی طلب ایران با اکثریت غیرقابل پیش‌بینی و بی‌سابقه‌ای به آقای خاتمی رأی دادند، به امید آن که آرمان‌ها و خواسته‌های پر نیامده و سرکوب شده انقلاب ۲۲ بهمن همچون کلامشان در عمل هم به اجزا گذارد شود.

جنیش مخلص ایران که دوم خرداد ۷۶ سرآغازش بود تا چند سال بعد ادامه یافت و در انتخابات دوره ششم مجلس و دوره هشتم ریاست جمهوری و دور اول شوراها کاملاً زنده و بانشاط خودنمایی کرد، اما به دلایل مختلف در سال‌های بعد در نشیب قرار گرفت و در انتخابات دوره هفتم مجلس آن شور و فتور گذشته را نداشت. علل این فروکاستن به جای خود قابل بررسی است. مسلم‌آکسانی که سبب این کاهش تجلی سالم قدرت ملت ایران گردیدند در مقابل تاریخ مسئول و پاسخگو خواهند بود.

در هر حال در همان سال‌های محدود این جنیش تاریخی تأثیر عمیقی در فرهنگ سیاسی و آگاهی‌های اجتماعی و پیشرفت و توسعه معنوی و مادی مردم ایران گذشت. از جمله ادبیات سیاسی جدیدی بهار مغان آورده که در نشریات مکتب و کلمات منصوب و رسانه‌های جمعی کاملاً مشهود است. تموازنی جنیش تحرک‌های اصلاح‌گرانه‌ای راهم به دنبال داشت و پیشرفت‌های چشمگیری در راستای تهییم عمومی ذهنیت مردم سalarی و دموکراسی کسب کرد. در صحنه عمل هم انتخابات شوراها که بخشی از خواسته‌ها و اهداف انقلابی مردم بود و نمادی از سهردن کار مردم به دست مردم است، بعد از ۲۲ سال که از انقلاب می‌گذشت به اجراد آمد.

روزنامه‌ها و نشریات متعددی که برای روشن کردن اندیشه و افکار

مردم ضروری و مفید بودند به زیور نشر آراسته

گردیدند. نویسندهان، مترجمان و تحلیلگران و

تفسیرین زیادی به خصوص در قشر جوان پا به

عرضه حضور گذاشتند. جریانات خشونت باری

که حلف فیزیکی مخالفان و دگراندیشان را هدف

خود فرار داده بود هزوی و متوقف گردید. ارگان

و سازمانی که مأموران آن به اقداماتی خلاف

شیوه انسانی و اسلامی دست می‌زدند و به آبرو

و حیثیت جمهوری اسلامی لطمه وارد می‌کردند

تصفیه و پاکسازی شد. در زمینه کارهای عمرانی

اقدامات چشمگیر زیربنایی ارزشمندی صورت

گرفت که نتایج موثر و مفید آن در سال‌های آینده

بروز خواهد کرد. از جمله این اقدامات باید

کسترش و توسعه راههای ارتباط کشور (ریلی و

جوچک برای کنترل و جمع آوری آب‌ها و

سیلانهای سرگردان که سبب تخریب یا

هدرفتن می‌گردید، افزایش تولید انرژی برق و

برق رسانی به کلیه نقاط کشور، توسعه شبکه کاز

در شهرهای دور و نزدیک، توسعه استخراج و تصنیفه گاز و نفت و پیشرفت صنایع پتروشیمی، افزایش صادرات غیرنفتی، وصول به مرحله خودکفایی در تولید گندم و ده‌ها مردم دیگر از این قبیل اقدامات را می‌توان نام برد.

البته کلیه اقدامات اصلاحی انجام شده با روحیه و آرزوهای شتاب زده و نیازها و انتظارات انبوی مردم هماهنگ و هم راستان بود. خواسته‌های شهر وندان به خصوص توسعه سیاسی بسیار فراتر از امکانات و اختیارات محدود شده رئیس جمهور در قانون اساسی و نمایندگان اصلاح گر مجلس شوراها می‌کرد؛ که اولی هر ۴ روز با یک توطنه رویه رو می‌گردید و مجبور بود با آرامش و متناسب و صبوری آنها را از سر به در کند و دومنی ها هم با سد غیرقابل نفوذ تصمیمات شورای نگهبان و حکم حکومتی سروکار داشتند که مانع در سر راه تصمیمات اصلاح گرانه آنها محسوب می‌شد.

آقای خاتمی رئیس جمهور آرامش و امنیت را بزرگ ترین نعمت برای جامعه و مهم ترین وظیفه خود محسوب می‌داشت و سعی و افراط در حفظ آن به کار می‌برد. بودند جریاناتی که آمادگی داشتند برای افزودن به اقتدار سیاسی و انحصارات اقتصادی خود، به بهانه جزیی امنیت کشور را برهم زنند تا از آب گل آلوده ماهی بگیرند و حداقل شرایط باز فکری، فرهنگی و سیاسی جامعه را هر چه بیشتر تنگ تر و نامن تر سازند. رئیس جمهور سعی فراوان به کار برد که بهانه به دست جریانات خردسیز و آشوبگر ندهد.

کسانی که به آقای خاتمی به بهانه عملکردهای آرام و بدون واکنش ماجرا خیز او اتهام تعليل می‌زنند و از او به دلیل مقابله با حملات و اعلان جنگی که به دولت داده می‌شد انتقاد می‌کنند باید یک بار دیگر قانون اساسی جمهوری اسلامی را مطالعه کنند و به اختیارات محدود رئیس جمهور و بی‌ثانی و تزلزل مقام و

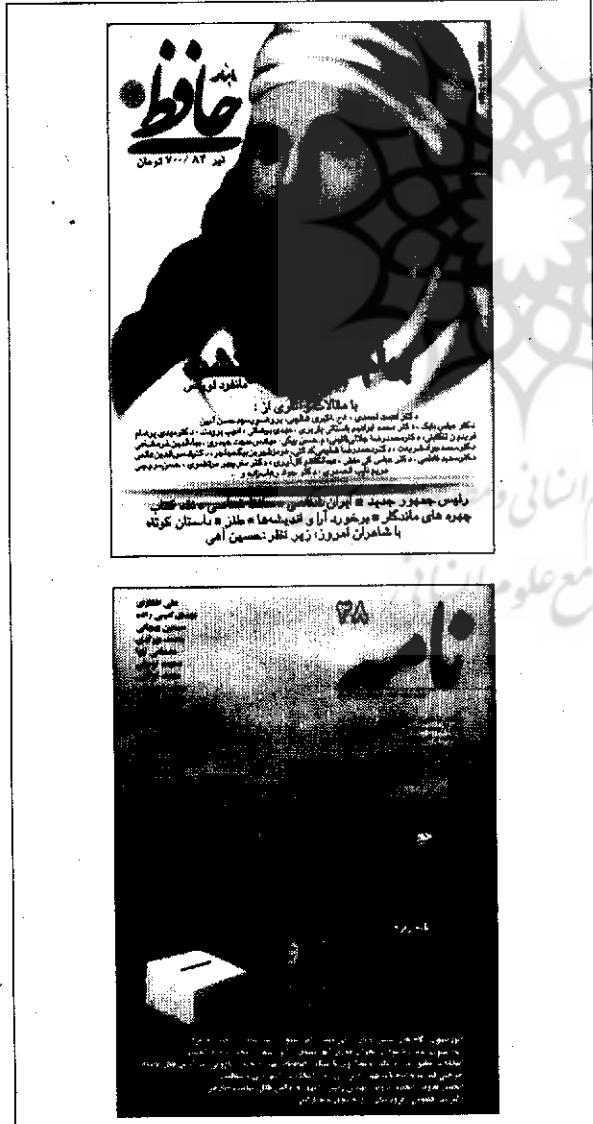
آسیب‌پذیری موقعیت او در مقابل رهبری و دیگر نهادهای انتصابی و نیمه انتصابی توجه بیشتر مبذول دارند. ضمناً میزان سرمایه گذاری معنوی، اخلاقی و فرهنگی ملت را در وصول به جامعه مدنی در نظر آورند.

بنابراین کارنامه دوران رئیس جمهوری خاتمی تا حدود زیادی مثبت و سپید می‌باشد. هرچند باید اذعان کرد اصلاح گران می‌توانستند کارکرد بسیار درخشان تر و شفاف تری به ملت ایران ارائه نمایند. شاید بیشترین ضعف رهبران جنیش اصلاحی ایران در بخش آموزش سیاسی - عملی و اجتماعی عمومی و سازماندهی خیل عظیم مردمی بود که به صحنه سیاست و کوشندگی گام گذاشته بودند.

آموزش می‌توانست شامل تمامی مطالعی باشد که در آغاز جنیش اصلاحات و در نطق‌های انتخاباتی رئیس جمهور و کاندیداهای

اگر حماسه پوشیدم
دوم خرداد ۷۶ را «جنیش
مخلص ایران» بنامیم سخن
به گواه تکفنهایم. مردم
ایران با تجارت تاریخی بیش
از یکصد سال انقلاب‌های
ضداستعماری و خودکامگی و
جنیش‌های ضداستبدادی و
پیش‌کسوتی در فرایند
دستیابی به جامعه مدنی در
خاورمیانه و ملل مسلمان،
این بار نیز به صورت یکپارچه
در جنیش اصلاح طلبی و
آزادیخواهی شرکت کرد

قانون اساسی است که اختیارات رئیس جمهور منتخب مردم را از هاله ابهام و محدودیت خارج سازد و مقاماتی که مسئولیت‌های اجرایی خرد و کلان را به عهده دارند و یا به تعیین خط مشی‌های سیاسی داخل و خارج مملکت منسوب باشند و اقداماتشان می‌پردازند در برابر قانون و مردم پاسخگو باشند. ضابطه قابل نقد و ارزیابی در رسانه‌ها و مجتمع قانونی باشد. ضابطه و رابطه مشخص و مبسوطی بین دموکراسی، مردم‌سالاری، حقوق بشر و ایدئولوژی حاکم بر نظام و قوانین جمهوری اسلامی تدوین و ارائه گردد. قوانین تدوین یابد که از اقتدار‌گرایی سیاسی و انحصارگری اقتصادی که برتری قدرت و انکشار ثروت در اقلیتی به وجود می‌آورد و فقر و محرومیت اجتماعی و سیاسی اکثریت را به همراه دارد جلوگیری شود. به لحاظ عملی هم مردم ایران پیش از هر اقدام اجتماعی و برپایی تحرك و جنبشی در تشکیل نهادهای مدنی پیش گفته شده و تقویت نهادهای شورایی اقدام نمایند.



نمایندگی مجلس مطرح گردیده بود. این مطالب که به دو بخش نظری و عملی قابل تقسیم بود هر کدام سرفصلی می‌گردید و به طور مبسوط و مخلوط برای علاقه‌مندان به جنبش اصلاحی بخصوص جوانان که برای نخستین بار در انتخابات شرکت کردند و گام‌های نخست تجربه سیاسی را می‌یافندند آموزش داده شود. برخی از این فصول عبارتند از: قانون گرانی، حقوق انسانی، مدنی و حقوق بشر، مردم‌سالاری، تسامح و تسامح، محدوده انتظارات و اختیارات وظایف قانونی فرد و مسئولان، حد آزادی و آرمان‌های اجتماعی و مشکلات بر سر راه وصول به این اهداف. معرفی استبداد تاریخی و اخلاقی - تاریخ استبداد و راه‌های فردی، اجتماعی، فرهنگی برای مقابله با آن، آموزش و تمرین تحمل سختی‌ها، گفتمان، تفکر سازنده، دموکراسی و موانع آن، خرافات و تفکیک آن از باورها و عقاید و ایمان اصیل مذهبی، تجربه‌اندوزی و علم آموزی، آموزش و تمرین تعلق و اراده جمعی تدریس شکلیابی و آموزش و تمرین روند آرام پیشرفت اصلاحات.

تشکیل انجمن‌ها و محلل‌ها و NGO‌های فرهنگی، ورزشی، تعاونی، همیاری با مقامات اجرایی محلی، امدادی، زیست‌محیطی در مجموع نهادهای مدنی به منظور تمرین کارهای مفید دسته جمعی و خلاصه بسط و تمرین فرهنگ شورایی و موضوعات دیگر هم ردیف با این مطالب می‌باشد که هر کدام زیر شاخه‌های متعددی برای بحث و فحص و تمرین و ممارست دارند.

موضوع مهم دیگر سازماندهی و مشکل نگداشتند مردمی است که با علاقه و تصمیم و اندیشه آزاد در رأی ریزی روز دوم خرداد ۱۳۷۶ و در مراحل بعدی که ذکر آن رفت شرکت کردند. دفاتر انتخاباتی ریاست جمهوری و نمایندگی مجلس می‌توانست تبدیل به کلاس‌های آموزش پیش گفته گردیده و هسته‌های اولیه تشکیلات اجتماعی و سیاسی را در شهرها و مناطق دور و نزدیک به پایتخت و مراکز استان‌ها محسوب گردد. در صورت انجام این دو موضوع یادشده پشتونه جنبش مخلع ایران که به دوران اصلاحات موسوم گردیده همواره نیرومند و آموزش یافته و فعال باقی می‌ماند و هیچ گاه ضعف و فتور و اتفاقی در آن راه نمی‌یافتد و هیچ کس جرأت نمی‌کرد رئیس جمهور منتخب و نهادهای مدنی از اولویت برخوردار بود.

به هر حال جنبش مخلع ایران تأثیر عمیق تاریخی خود را گذاشته است و چیزی نیست که از خاطره‌ها و آرمان‌های ملی پاک گردد و رو به اضمحلال گذارد و همواره ملت ایران در فرسته‌های مناسب خواسته‌های برحق خود را که در مقوله مردم‌سالاری و دموکراسی و عدالت محدود و منظور گردیده ابراز کرده و راهکارهایی برای نیل به آن پیدا خواهد کرد.

فرازونشیب این جنبش مخلع از خرداد ۷۶ تا پایان دوره دوم ریاست جمهوری آقای خاتمی تجارب گرانبهایی به ارمنان آورد که در فرازهای دیگر مطمئناً به کار خواهد آمد. از جمله این تجارب که به راهبردهای آینده افزوده خواهد گردید، نیاز به اصلاح و تغییرات عمدی ساختاری در